



روش قرآنی «احراق»؛ توصیه آیت‌الله قاضی برای محو اغراض نفسانی

مربی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی با بیان این‌که سیدعلی آقای قاضی برای از بین بردن اغراض و نیت‌های نفسانی، روش «احراق» را به شاگردان خود توصیه می‌کرد، اظهار کرد: ایشان این طریقه را از قرآن کریم الهام گرفته بود؛ در این روش، سالک باید بداند که فقر ذاتی دارد و همه چیز ملك مطلق خداست، این تفکر سبب سوختن تمام نیت و صفات او می‌شود.

مربی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی با بیان این‌که سیدعلی آقای قاضی برای از بین بردن اغراض و نیت‌های نفسانی، روش «احراق» را به شاگردان خود توصیه می‌کرد، اظهار کرد: ایشان این طریقه را از قرآن کریم الهام گرفته بود؛ در این روش، سالک باید بداند که فقر ذاتی دارد و همه چیز ملك مطلق خداست، این تفکر سبب سوختن تمام نیت و صفات او می‌شود.

سعید طاوسی مسرور، دانش‌پژوه رشته تاریخ اسلام و مربی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این‌که سیدعلی قاضی طباطبایی از عرفای نامدار و اساتید اخلاق نجف در قرن چهاردهم است، اظهار کرد: سیدمرتضی فیروزآبادی مؤلف کتاب «فضائل الخمسة من الصحاح الستة» در همسایگی آقای قاضی منزل داشت و در درس‌های اخلاق و عرفان وی شرکت می‌کرد و محرم اسرار استاد بود.

طاوسی ادامه داد: قاضی چنان تأثیری بر شاگردان خود داشت که به عنوان مثال علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، شاگرد مبرز وی بعد از وفات استادش، به احترام وی تا آخر عمر عطر نزد با این که سی و شش سال پس از استاد، در قید حیات بود. علامه طباطبایی می‌گفت: «ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم».

وی با بیان این‌که سیدعلی آقای قاضی در عین فقر و ساده‌زیستی، خانواده‌ای پرجمعیت از یازده پسر و پانزده دختر داشت، خاطرنشان کرد: او در طول حیاتش، چهار زن اختیار کرد که همسر اولش در جوانی از دنیا رفت. قاضی در زمان وفات، بیش از بیست فرزند داشت که نه تن از پسران او در قید حیات بودند.

این محقق و تاریخ‌پژوه با بیان این‌که سیدعلی آقای قاضی در عین فقر و ساده‌زیستی، با ریاضت‌های سخت و بعضاً غیرشرعی مخالف بود، تأکید کرد: وی اعتقاد داشت که سالک باید به خودش برسد، چون جسم مرکب روح است. از این رو معمولاً عطر می‌زد و لباس سفید و تمیز می‌پوشید و مخصوصاً به پوشیدن کفش مناسب اهمیت می‌داد.

مربی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی افزود: آقابزرگ طهرانی، که سال‌ها با سیدعلی آقای قاضی دوستی و مراوده داشت، او را با صفاتی چون استقامت، کرامت و شرافت ستوده است. قاضی خود استقامت در طلب خداوند را عامل درک اسم اعظم و لایق اسرار ربوبی شدن می‌دانست.

طاوسی با تأکید بر این‌که سیدعلی آقای قاضی «وصول به مقام توحید» و «سیر صحیح الی الله» را بدون پذیرفتن ولایت امامان شیعه (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) محال می‌دانست، عنوان کرد: علامه طباطبایی، رویه وی در سلوک را همان روش حسینقلی همدانی می‌داند. در این رویه، سالک برای دفع خواطر باید در شبانه‌روز دست‌کم نیم ساعت را برای توجه به نفس خود تعیین کند تا رفته رفته معرفت نفس برای او حاصل شود. به علاوه، سالک باید برای رفع حجاب‌ها و موانع به امام حسین (ع) متوسل شود.

علامه سیدعلی آقای قاضی، عطار، مولوی و ابن‌عربی را شیعه می‌دانست و به «فتوحات مکیه» و «مثنوی» مولوی علاقه‌مند بود؛ علی‌اکبر مرندی از استاد خود، قاضی نقل کرده که وی بر خواندن مثنوی معنوی تأکید داشت

وی با اشاره به این‌که سیدعلی آقای قاضی در «سیر الی الله» به داشتن استاد بسیار اهمیت می‌داد، خاطرنشان کرد: وی اعتقاد داشت که استاد باید خبیر و بصیر، خالی از هوای نفس، رسیده به معرفت الهیه و انسان کامل باشد و همچنین اسفار اربعه را طی کرده باشد. از نظر وی، سالک اگر نصف عمر خود را در جست‌وجوی استاد بگذراند، ارزش دارد و سالکی که استاد را دریابد، نصف راه را طی کرده است.

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که سیدعلی آقای قاضی برای از بین بردن اغراض و نیت‌های نفسانی، روش «احراق» را توصیه می‌کرد، تصریح کرد: وی این طریقه را از قرآن کریم الهام گرفته بود. در این طریقه، سالک باید بداند که همه چیز ملك مطلق خداست و او فقر ذاتی دارد و این تفکر سبب سوختن تمام نیت‌ها و صفات‌های او می‌شود؛ لذا آن را احراق گویند.

مربی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی ادامه داد: از دیگر شیوه‌های سلوکی قاضی، التزام به نماز اول وقت، نماز شب، تهجد و نیز اذکار متعددی بود که هم خود به آن‌ها مداومت داشت و هم شاگردانش و حتی عامه مردم را به آن‌ها سفارش می‌کرد، به‌عنوان مثال 400 بار یا بیشتر گفتن ذکر یونسیه همراه با خواندن قرآن در سجده، صد مرتبه سوره قدر در شب و عصر جمعه، مداومت بر خواندن فراوان سوره توحید و... را منشأ اثرات شگرف در انسان می‌دانست.

طاوسی با اشاره به توجه آقای قاضی به زیارت اموات گفت: از محمدتقی آملی - از مبرزترین شاگردان قاضی - نقل شده که آقای قاضی به زیارت اهل قبور بسیار توجه داشت و خود بسیار به «وادی السلام» می‌رفت و ساعت‌ها در آنجا به زیارت مشغول بود. او به تهجد در مسجد کوفه و مسجد سهله علاقه‌مند بود و حجره‌ای مخصوص برای عبادت در این دو مسجد داشت و در ملازمت به رفتن به مسجد سهله خصوصاً با پای پیاده توصیه می‌کرد.

وی با بیان این‌که سیدعلی آقای قاضی رساله «سیر و سلوک» بحرالعلوم را بهترین کتاب عرفانی می‌دانست، اظهار کرد: از شاگرد وی عباس قوچانی و فرزندش محمدحسن قاضی نقل شده که او به کسی اجازه به‌جا آوردن اذکار و اوراد این رساله را نمی‌داد.

این محقق و تاریخ‌پژوه با اشاره به این‌که سیدعلی قاضی، عطار، مولوی و ابن‌عربی را شیعه می‌دانست و به «فتوحات مکیه» و «مثنوی» مولوی علاقه‌مند بود، اضافه کرد: علی‌اکبر مرندی از استاد خود، قاضی نقل کرده که وی بر خواندن مثنوی معنوی تأکید داشت.

مربی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی خاطرنشان کرد: البته سیدعلی آقای قاضی کتاب «الآغانی» را به سبب ذکر اخبار خوانندگان و نوازندگان و بیان فسادها و لهو و لعب‌های آنان، کتابی شوم می‌دانسته که نحسی آن در زندگی انسانی که آن را در خانه خود داشته باشد، اثر دارد.

طاوسی با بیان این‌که سیدعبدالغفار مازندارانی یکی از زهاد معروف نجف از مخالفان سیدعلی آقای قاضی بود، عنوان کرد: علی‌رغم شدت تشرع آقای قاضی و عدم انتسابش به سلسله‌های صوفیه، میرزا مهدی اصفهانی درباره وی به شدت اظهار مخالفت می‌کرد. این مخالفت‌ها سبب بی‌حرمتی برخی از مردم نسبت به وی بود، چنان‌که سجاده از زیر پایش کشیدند.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به علت مخالفت برخی از علما با سیدعلی آقای قاضی تأکید کرد: به‌نظر می‌رسد که علاقه آقای قاضی به ابن‌عربی و مولوی موجب بروز این مخالفت‌ها شده باشد تا جایی‌که او را به تصوف متهم کرده‌اند. به‌علاوه یکی از صوفیان نجف به نام «بهار علیشاه» نیز به قاضی علاقه‌مند بود و مکرر نزد وی می‌آمد.